



محمد فولادی

زال هلایت

«ذلک الکُتُب لاریب فیه هدی للمتقین» (بقره: ۲) آن کتاب با عظمت، که هیچ تردیدی در حقانیت آن نیست، راهنمای پاکان و پرهیزگاران است. قرآن، این کتاب آسمانی و با ارزش ترین میراث نسل های گذشته برای بشر همواره در طول تاریخ توانسته است با زبان خاموشی خود، بلندترین مفاهیم و معارف الهی را مطابق با مقتضیات روز به بشر ارائه نماید. خداوند نیز قوانین زندگی بشر را به صورت کتاب قرآن در اختیار او قرار داده است تا بشر افسون راه سعادت را در آن جستجو کند. معارف و مفاهیم بلند قرآن خود بیانگر کلام غیر بشری بودن آن است؛ چراکه به یقین بیان چنین معارف و مطالبی از سوی یک انسان در چهارده قرن پیش در میان قومی که اندک بهره ای از سواد و علم نداشتند، امری محال می نماید. قرآن بی شک کتاب هدایت و رستگاری است و طالبان سعادت چاره ای جز مراجعه بدان ندارند. نسخه ای که برای همه آلام و دردهای بشری چاره ساز و کارساز و راهگشا است. رهپویان سعادت با مراجعه به این کتاب راهنما و یا بهره گیری صحیح از آن از خطراتی که مسیر سعادت و جسم و جان ایشان را تهدید می کند، در امان خواهند بود. روشن است که بهره گیری از مفاهیم بلند و معارف عمیق قرآنی، نیازمند وجود زمینه و بستر مناسب است. همان گونه که نور خورشید از شیشه تمیز و نه از شیشه مات و تیره و یا خشت و گل عبور می کند، نور قرآن و معارف الهی نیز تنها در دل های پاک و روان و زلال جاری است نه قلب های مرده و تیره و تار و زنگار زده! بنا بر این، بی شک کتاب الهی کتاب سعادت و هدایت بشری است. از این رو، راه و مسیر سعادت را باید در آن جستجو کرد نه قواعد فیزیک، شیمی و ریاضیات را و لازمه دریافت معارف الهی وجود شرایط لازم و بستر مناسب است. نورانیت دل آدمی مهم ترین شرط دریافت معارف الهی است.



پنجوهای یک

ف. ر. گفت و گوئی در باره حجاب

گفتی اگر همه بی حجاب باشند، مثل جوامع غربی، این قضیه عادی می شود، و دیگر زنان برای حفظ خود از آزار انسان های بیمار دل، به رعایت قوانین پوشاندن خود و با حجاب بودن نیاز ندارند؟

گفتم اولاً بی حجاب و بدحجابی قبل از نزول آیات حجاب در اسلام، هم وجود داشته است. آیا وقتی به تاریخ آن زمان ها مراجعه می کنیم، چون بی حجابی عادی بوده، زنان و دختران از تجاوز و بی عفتی و هرزگی افراد بیمار دل مصون بوده اند؟! و یا برعکس درست به دلیل همین بی حجابی و بدحجابی، بیشتر دچار آزار هوسرانان واقع می شده اند؟

ثانیاً: آیا هم اکنون که در جوامع غربی بی حجابی حاکم است، واقعاً مسئله شهوت برای مردان حل شده و به همه زنان به چشم خواهر و مادر خود نگاه می کنند؟! کافی است به آماری که گاه در این زمینه ها منتشر می گردد، مراجعه کنید. برای نمونه در آمریکا هر شش ثانیه یک زن مورد خشونت جنسی قرار می گیرد، در کانادا از هر چهار زن یک زن مورد تجاوز قرار می گیرد. براساس گزارش روزنامه گاردین^(۱) در آمریکا در هر پانزده دقیقه

یک دختر ربوده می شود و طبق آمار هشتاد درصد دختران دانشجوی انگلستان قرض ضدبازداری با خود همراه دارند... ولی ما به برکت حکم حجاب، خیلی کمتر با این مشکلات روبرو هستیم.

ثالثاً: به قول شهید مطهری (رحمته الله علیه): «یکی از مختصات و امتیازات انسان از حیوانات این است که دو نوع میل و تمنا در بشر، ممکن است پیدا شود، تمناهای صادق، تمناهای کاذب».

تمناهای صادق همان ها است که مقتضای طبیعت اصلی است، در وجود هر انسانی تمایل به ذات، امور جنسی، غذا خوردن... وجود دارد، که همه این ها محدودند، ولی همه این ها ممکن است زمینه یک تمنا کاذب واقع شوند. مثل اشتیاق کاذبی که افراد در مورد خوردنی ها پیدا می کنند که مشهور و معروف همه است. در بعضی از میل ها و غرائز که غریزه جنسی از آن ها است، در این ها تمنا غالباً به صورت یک عطش روحی در می آید، یعنی قناعت و پایان پذیری را در آن راه نیست».

غریزه طبیعی را می توان اشباع کرد (که طبق نظر استاد مطهری، برای حفظ اعتدال غرائز و اشباع آن، تنها راه مقید بودن و رعایت کردن حدود و مقررات الهی چه برای زنان و چه برای مردان است)^(۱) اما تمنا کاذب خصوصاً اگر شکل عطش روحی به خود بگیرد، اشباع پذیر نیست... انسان چه در زمینه پول و اقتصادیات، یا سیاست و حکومت و مقام و چه امور جنسی، اگر زمینه مساعدی برای پیشروی ببیند، در هیچ حدی توقف نمی کند، خیال کردند که حاجت جنسی در وجود بشر فی المثل نظیر حاجت طبیعی هرکس به ادرار و خالی کردن مثانه است، منع و حبس ادرار از نظر پزشکی مضرات فراوانی دارد، اما خالی کردن آن حدود و شرایطی ندارد. اگر فرضاً کسی قدم به قدم در کوچه ها و خیابان ها محل مناسب و پاکیزه و مجانی برای ادرار بیابد، بیش از مقدار حاجت به آن ها توجهی نخواهد کرد.

نهایت جهالت است که غریزه جنسی یا قدرت طلبی یا پول پرستی بشر را از این قبیل بدانیم... اگر انسان در

این موارد مانند حیوانات، ظرفیت محدود و پایان پذیری داشت، احتیاجی به مقررات سیاسی و اقتصادی و جنسی و حدود اخلاقی و اجتماعی نداشت و همان ظرفیت محدود طبیعی همه مشکلات را حل می کرد.^(۳) البته استاد شهید علت این امر را «میل به بی نهایت» بیان می کند که خداوند در سرشت انسان قرار داده است.^(۴)

پس قضیه این طور نیست که ما فکر کنیم عادی می شود، خیر، غریزه شهوت حتی اگر به صورت تمنا صادق هم باشد، بعد از اشباع شدن مثل قضیه آب یا غذا خوردن است که فقط تا مدتی انسان را سیر نگه می دارد و بعد از مدت کوتاهی دوباره انسان احساس نیاز می کند و اگر که زمینه را مساعد ببیند و مقید به اخلاق و احکام الهی و انسانی هم نباشد، در هیچ حدی متوقف نمی شود تا چه رسد به اینکه با تبلیغات و تحریکات زیاد جنسی که امروزه در جوامع غربی شاهد آن هستیم، تحریک و تشویق هم بشود. از این رو در آن جوامع، زنان و دختران بیشتر دچار این مشکلات هستند.

البته شاید کسانی بگویند، افراد هوسرانی که به غیرهمجنس دلخواه خود، دسترسی دارند، تا مجبور نشوند به دیگران کاری ندارند؛ ولی این واقعیت را هم نباید از نظر دور داشت که شرایط ظاهری و مالی افراد در همه جوامع یکسان نیست و در هر جامعه ای حتی جوامع غربی هم تعداد افرادی که در هر حالی به جنس دلخواه خود دسترسی داشته باشند، محدود است و در نتیجه خطر برای دیگر افراد همیشه در کمین است. این آمارهای فساد و فرزندان نامشروع در آن کشورها نشان دهنده چنین واقعیت هایی است.

پی نوشت ها:

۱. مجله دیدار شماره ۴۸ مخصوص به تاریخ «۸۱/۶»، ص ۱۹
۲. با توجه به اینکه امام خمینی (رحمته الله علیه) تمام کتب ایشان را بدون استثناء مورد تأیید قرار دادند.
۳. کتاب اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب از استاد مطهری (رحمته الله علیه)، ص ۵۵
۴. همان کتاب، ص ۷۰ و ۷۱
۴. همان کتاب، ص ۷۱